

واکاوی کارکرد، مفاهیم، ساختار و تزئینات مناره خسروگرد سبزوار قرن ۶ هجری

فرهاد کارگری آریان^۱

محمد خزایی^۲

احمد صالحی کاخکی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۴

چکیده:

مناره در معماری اسلامی تقریباً عمری به درازای تاریخ اسلام دارد. این عنصر معماری با توجه حاکمان مرکزی و محلی توانسته است به یکی از نمادهای استوار قدرت اسلامی بدل شود که با کارکردهای گوناگون در سرتاسر دنیای اسلام به اشکال مختلف خود را نمایان کند. در دوره‌ی تاریخی سلجوقی از مناره در اکثر مناطق ایران برای استفاده‌های همچون میل راهیابی و یادمان پیروزی استفاده می‌شد. در این دوره مناره‌ها با تزئینات بسیار و کتیبه‌های متنوع در راستای بیان مفاهیم مورد نظر سازندگان خود، به مخاطبین ایفای نقش می‌کردند.

این مقاله با هدف دستیابی به شناختی از مناره خسروگرد در ناحیه بیهق خراسان در دوره‌ی سلجوقی گام برمی‌دارد و تلاش دارد با بازشناسی آن، به واکاوی کارکرد و مفاهیم نهفته در آن دست یابد. در این مسیر به چستی و چرایی ساخت این اثر نیز پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مناره خسروگرد یک مناره مستقل بوده که در سال ۵۰۵ هجری به دستور ابوالقاسم علی ابن سعید نائب وزیر سلطان سنجر بر سر راه مواصلاتی ری به نیشابور ساخته شده است. این مناره با دو نوار کتیبه به خط کوفی با شیوه آجر تراش با مضمین دستور ساخت در کتیبه فوقانی و دیگری آیه‌ای از سوره جمعه بنا شده است و در عین راهنمایی مسافران و تجار، با رهگذران از قدرت مستقر در ناحیه، دین مستقر در مکان و حد شهر سخن می‌گوید و همچنین با انتخاب آیه کریمه یازدهم از سوره جمعه تلنگری دین محور، به دلباختگان جاده‌های زر میزند.

کلید واژه‌ها: مناره، خسروگرد، بیهق، معماری، سلجوقی

^۱ - دانشجوی دکترا، مدرس در دانشگاه سوره، lotfolah.arian@gmail.com

^۲ - استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس، تهران mkh@modares.ac.ir

^۳ - دانشیار دانشگاه هنر اصفهان salehi.k.a@aii.ac.ir

مقدمه

بشر برای بیان مفاهیم مجرد و امور معنوی و مذهبی از هنرهای مختلف و از رموز و اشارات و سمبل‌های گوناگون استعانت جسته و از این طرز بیان نمادین، به شدت و قدرت فراوان بهره مند گردیده است. بی گمان اعتقادات مذهبی در بسیاری از مظاهر زندگی مادی و معنوی بشر متظاهر می‌شوند. همین که انسان مشغول ساخت چیزی می‌شود، افکار و عقاید او در شکل دهی به مصنوع دخالت داده می‌شوند. شاید بتوان گفت معماری ایران در دوره اسلامی از زیباترین زبانهای بصری و تجسمی تمدن ایران است. زبانی که در بناهای شکوهمند دوره‌های مختلف تاریخ این سرزمین از جمله مساجد، مدارس، کاروانسراها، مناره‌ها، مقبرها، یادمانها و بناهای عام المنفعه خود را به مخاطبان بازگو می‌کنند. این زبان سرشار از آرایه‌هایی همچون نقوش، گره‌ها، هندسه، رنگ، فرم، کتیبه، مقرنس، و بازی آب و نور است؛ که شاید بتوان گفت از عناصر بنیادین معماری ایران هستند.

آثار بجای مانده از ادوارو اعصار گوناگون در خاک ایران دارای تنوع بسیاری در نوع بنا و کاربرد و نوع ساخت است. شاید بتوان گفت خراسان به عنوان یکی از پایگاههای طلوع و رشد حکومتها نقش بسزایی در تولد، رشد و شکوفایی هنرها از جمله معماری داشته است. خراسان از نظر موقعیت جغرافیایی بسیار حائز اهمیت بوده؛ زیرا بر شاهراههای تجاری و گذرگاهی قرار داشته است و راههای مواصلاتی بسیاری از آن می‌گذشته که شمال، جنوب، شرق و غرب را به یکدیگر پیوند میداده است.

راههای ارتباطی شهرهای مهم ادوار مختلف از جمله بلخ، سمرقند، بخارا، ری، اصفهان و... همگی از خطه خراسان عبور داشته و دارند. عبورو مرور تجار و مسافران، حکومتها را بر آن داشته که بر سر راه آنان کاروانسراها و در برخی موارد در نزدیکی آنها میل‌های راهیابی و بناهایی عام المنفعه دیگری از این دست بسازند. در میان آثار بجای مانده در ملک خراسان امروزی مناره‌های بسیاری در خاک امروز ایران برجای مانده که هر کدام از آنها به تنهایی سند هویتی از نوع معماری، تزئینات، تکنیک، و قدرت مستقر در آن زمان و مکان را به نمایش می‌گذارد. مناره خسروگرد از جمله این بناها است. در پژوهش پیش رو نگارندگان تلاش دارند تا چپستی، چرایی و رمزگان و نکات مبهم مانده مناره خسروگرد به تاریخ ساخت ۵۰۵ هجری قمری را بررسی و بازشناسانند.

مناره‌ها را می‌توان بناهایی پنداشت که با الهام از برجهای آتش ایران در قبل از اسلام یا فانوس دریایی اسکندریه ساخته شده اند؛ و هر کدام می‌تواند چرایی ساخت چند پهلو به خود بگیرد. از این جمله می‌توان به قابلیت‌های یادمانی، راهنمایی، بیان جاودانگی، بیان قدرت، و بیانهای دینی، مذهبی را بازشمرد

که با دستورفاتحان، خیرین، اصحاب قدرت و مراجع دینی، با استفاده از هنر معماران خشت بر خشت گذاشته و ساخته شده اند.

هیلن برنند معتقد است مرکز فکری ساخت مناره شام بوده و آن را به سازو کار سیاسی دربار معاویه نسبت میدهد که تمایل به ابراز قدرت و تشریفات برای اموردینی و سیاسی خود داشته است. اگر این پیش فرض را بپذیریم می‌توانیم بر اساس آن چنین نتیجه بگیریم که مناره، سوای از اهداف از نظر گذشته، برای بیان قدرت حاکمه بر جامعه نیز ساخته می‌شود و به نحوی شکوه و جلال و جبروت مناره و هر سازه ای از این دست نمایشی بصری از قدرت حاکمه بر آن سرزمین خواهد بود. نمایشی توامان از میزان ثروت و قدرت مهندسی و ظرافت طراحی و شناخت زیبایی در یک بنا برای بیان مفهوم کلی از واژه قدرت است. از اولین مناره‌های تاریخ دار برجای مانده در جهان اسلام می‌توان به مناره منفرد مسجد سامرا اشاره کرد که در اواسط قرن سوم هجری ساخته شد است. این مناره بر روی یک پایه مربع شکل گرفته و پلکان آن در خارج و بصورت حلزونی است. «این مناره شباهت بسیار زیادی به میل آتش فیروزآباد دارد و از طرف دیگر توسط برخی از مورخین یادآور زیگوراتهای سابق بین النهرین تلقی شده است. نظیر این مناره در مسجد ابوالف نیز ساخته شده است»^۳ با توجه به پیشینه مناره سازی در ایران که با نام برجهای آتش ساخته می‌شده اند انتظار می‌رود بناهای بسیاری در ایران موجود باشند؛ که متاسفانه به دلایلی همچون بلایای طبیعی و عدم نگهداری مناسب، از این بناها امروزه جز نامی در کتابها دیده نمی‌شود. شاردن از مناری به نام منار ته برنجی در محله جویبار اصفهان نام می‌برد و می‌افزاید: «چون بعضی قسمتهای این برج روکشی از طلای بدلی دارد به آن برج ته فلزی می‌گویند»^۴ که البته این مناره اکنون از بین رفته است.

یکی از کهن ترین مناره‌های دارای تاریخ در خاک امروز ایران _ که اکنون در وضعیت مناسب قرار دارد- مناره مسجد میدان ساوه است؛ که در سال ۴۵۳ هـ -ق ساخته شده است. مناره ی مورد پژوهش این مقاله نیز از کهن ترین مناره‌های موجود در مرز امروز ایران است؛ که این مقاله از بین بناهای فراوان موجود در گستره جغرافیایی و فرهنگی خراسان به این مناره می‌پردازد. مناره ی خسروگرد واقع در سبزوار، مربوط به دوره سلجوقی است. به دلیل اهمیت این مناره از حیث ساختمان، طراحی کتیبه‌ها و تزئینات و تاریخ دار بودن آن و عدم مطالعه دقیق بر روی این بنا (تا کنون) و همچنین قرائت‌های نادرست از کتیبه‌های موجود در این بنا انتخاب شده است و مورد بررسی و واکاوی قرار خواهد گرفت.

سوالات و اهداف تحقیق

از اهداف این پژوهش که امید به دستیابی آن می‌رود دستیابی به چرایی ساخت این اثر و اهداف و انگیزه‌های بنیان و خوانش کتیبه‌ها و زوایای پنهان در متن کتیبه‌ها است. همچنین تلاش دارد به شناخت و بازیابی نقوش تزئینی و تنوع اشکال کار شده در اثر پی ببرد.

ادبیات تحقیق

درباره منار و مناره و موزنه در پژوهشهای هنر و معماری اسلامی سخن بسیار رفته است لیک در اکثر این پژوهشها به اشارات کوتاهی بسنده شده است. تنها تعداد کمی از محققین این حوزه، به پژوهشهای بیشتری نسبت به این سازه اسلامی پرداخته اند. بطور خاص درباره مناره خسروگرد بسیار اندک سخن رفته که در ادامه از نظر خواهد گذشت.

ارنست دیتز (Diez, Ernst) هنرشناس و پژوهشگر اطریشی در سال ۱۹۱۸ کتابی تحت عنوان *churasanische baudenkmaler* (بناهای تاریخی خراسان) به چاپ رسانده است. وی در این کتاب که در سالهای اولیه قرن بیستم به نگارش درآورده، مناره خسروگرد را به ثبت رسانده است و پیرامون آن توضیحاتی بیان کرده است. دیتز چند کلمه از کتیبه دستور ساخت را بازخوانی کرده است. مقاله « بررسی میل، مناره‌های خراسان با تاکید بر نقش سازه ای و محتوای کتیبه‌های آنها» به قلم علی فرجی و امیر اکبری چاپ شده در پژوهشنامه تاریخ، شماره ۳۲ سال ۱۳۹۲. مولفان در این اثر سعی در بررسی چند مناره کهن موجود در خاک امروزی خراسان کرده اند، که مناره خسروگرد یکی از گزینه‌های مورد بررسی آنها می‌باشد. این مقاله محتوای کتیبه های این بنا را نادرست ارائه داده است. از دیگر دستاوردهای این مقاله که مورد صحت سنجی قرار گرفته اند در این مقاله استفاده شده است. پژوهش دیگری که در راستای شناخت مناره خسروگرد صورت گرفته به قلم آقای محمد عبد الله زاده ثانی با عنوان باستان شناسی و تاریخ میل خسروگرد است. ایشان از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی سبزواری است و این پژوهش در زیر مجموعه پژوهشی میراث فرهنگی خراسان در سال ۱۳۸۲ انجام شده است. ایشان در این اثر با دقت به توصیف جزئیات در این بنا پرداخته اند و انواع اجزایش را باز سازی کرده اند. ایشان محتوای کتیبه دستور ساخت را از محمود بیهقی (از پژوهشگران تاریخ سبزواری) نقل کرده اند.

روش انجام پژوهش

قسمت عمده این پژوهش با استفاده از مطالعات میدانی و بررسی‌های بعمل آمده در محل مناره صورت گرفته است. با توجه به تاریخی بودن اثر، استفاده از منابع دست اول کهن و متاخر برای قسمتهای تاریخی بهره جسته و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی نیز در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. روش برخورد با داده‌های گردآوری شده توصیفی، تحلیلی می‌باشد.

بیهق و حدود آن

ابن فندق در کتاب تاریخ بیهق در ذیل نام این ناحیه و حدود آن چنین آورده است: «در انشقاق لفظ بیهق و حدود آن چند قول گفته اند قول اول آنست که این بیه است بزبان پارسی اصیل بیهین بود یعنی که این ناحیت بهترین نواحی نیشابور است و قول دوم آن است که این پیهه است یعنی باقدام که آن را پی خوانند پیموده و این ناحیت را مساحت پی کرده اند و قومی گفته اند که مردی بوده است در روزگار بهمن الملک، او را بیهه خوانده اند. و آنجا که مقابل آمناباد است دیهی کرده است و هنوز اثر آن دیه و حصار آن دیه توان دید آن را به نام وی خوانده اند و حارث آباد را به حارث و معاذ آباد را به معاذ. اول حد این ناحیت آن است و انتهای این ناحیت اول حد قومس است و عرض این ناحیت باشد از دیه سبه که سرحد ولایت طریثیت است تا به دیه نودیه خالصه. این ناحیت را دوازده قسمت نهاده اند و هر قسمتی را ربعی نام کرده. یعنی ناحیه بیهق را از غرب، به قومس - که همان دامغان امروزیست - از جنوب آن را به ده سبه از ولایت ترشیز - که امروزه از بین رفته و شهرهای کاشمر و بردسکن در این ناحیه قرار دارند - از شمال تانزدیکی منطقه جوین و از شرق تا روستای آمناباد محدود دانسته است.

امارت سبزوار

«گفته اند سبزوار را ساسویه بن شاپور الملک بنا کرده است، و شاپور آن بود که نیشابور بنا کرد و اصل نام آن شهر بناشاپور بود پس با و الف بیفکنند و الف بیا بدل کردند، بزبان پهلوی نی بنا بود و نیشابور یعنی بنای شاپور..... و سبزوار در اصل ساسویه آباد بوده است و گفته اند که پسر این ساسویه یزد خسرو بود که خسرو شیر جوین و خسروآباد بیهق و خسروجرد بنا کرده خسروجرد و خسرو آباد بی خلاف ملک کیخسرو بن ساوخش بن کیکاوس بنا کرده است و بلاشباب را بلاش بن فیروز عم نوشیروان». «پس ابتدای بنای خسروگرد را بنا به گفته ابن فندق دوران پادشاهی کیخسرو باید دانست درباره پیشینه تاریخی خسروگرد و سبزوار اطلاع دقیقی در دست نیست برخی خسروگرد را منسوب به

عهد خسرو نخست مشهور به انوشیروان عادل و تاریخ بنیاد سبزواری را حدود سیصد میلادی یا آغاز سلسله ساسانی دانسته اند.^۷

خسروگرد

خسروگرد یا خسروجرد (مغرب شده خسروگرد) امروزه روستایی است در فاصله ۱۰ کیلومتری غرب سبزواری که بر سر راه سبزواری به شاهرود قرار دارد. در اوایل دوره اسلامی از مراکز مهم ناحیه بیهق و حاکم نشین بوده است که در طی سالیان قصبه سبزواری ناحیه آبادتری می‌شود و مرکزیت بیهق را از آن خود می‌کند. خسروگرد که در طی جابجایی قدرت میان حکام و بر اثر نزاع‌ها و جنگ‌های رخ داده در این ناحیه کم کم رو به زوال رفته و از رونق اولیه می‌افتد و آخرین و مهلک‌ترین ضربه وارده به آن در زمان جابجایی قدرت از حکام سلجوقی به خوارزمشاهیان بوده است که این فندق در باره این موضوع در صفحه ۲۴۸ تاریخ بیهق چنین آورده است :

(در باب ویرانی خسروگرد) «مؤید الدوله و الدین خسرو خراسان ملک المشرق آی ابه خلد الله دولته دهم محرم سنه احدی و ستین و خمسمائه با لشکر جرار سوار و پیاده بدر قصبه آمد و آنجا محاربه بر تواتر رفت و دیوار قصبه بر جانب جنوب خراب کردند بسنگ منجنیق، و خلائق بسیار کشته آمدند. اصفهید فخر الدوله گرشاسف بن مرداویج بن گرشاسف. بحکم توسط این محاربت قطع کرد، و ملک المشرق ره‌این ستد از اولاد و اعزه اکابر قصبه، و ایشان را بانیشابور نقل کرد، و بازگشت فی خامس من صفر سنه احدی و ستین و خمسمائه و نوبت دیگر محاربه رفت فی جمادی الاولی و جمادی الاخره من سنه اثنتین و ستین و خمسمائه، بر جانب مغرب قصبه در محاذات سالاران منجنیق نهادند، و دوماه پیوسته جنگ رفت و جماعتی از حشم خوارزم چون امیر اسن آبه بیغو و امیر نجم الملک علی خواجه و امیرایسن و امیر بوری بسملی بفرمان سلطان معظم تاج الدنیاوالدین ایل ارسلان خوارزمشاه اینجا بودند و اتفاق افتاد بازگشتن ملک مشرق و آمدن موکب سلطانی معظمی تاج الدنیاوالدین به مبارکی بخراسان اول یوم من رجب سنه اثنتین و ستین و خمسمائه و در خسروجرد قتال رفت و شهر و قلعه خراب کردند فی ذی الحجه سنه احدی و ستین و خمسمائه، خطبه کردند بسلطنت در سبزواری بر سلطان معظم تاج الدنیاوالدین ملک التترک و العجم ایل ارسلان بن خوارزمشاه اتسر روز عید اضحی سنه احدی و ستین و خمسمائه در خراسان ابتدا بسلطنت در سبزواری بر وی خطبه کردند و درنیشابور فی رمضان سنه اثنتین و ستین و خمسمائه.»^۸

ابن فندق در زمان این جابجایی قدرت از سلاجقه به خوارزمشاهیان حاضر و ناظر بوده است و آنچه نوشته است را خود به چشم دیده است «در این تغییر حکومت خوارزمشاهیان در صدد بوده اند تسلط خود را بر تمام نواحی خراسان مستقر سازند. آی ابه سردار سلطان سنجر که بعد از فوت سنجر بر نیشابور و سبزوار و اطراف دست یافته بوده برای جلوگیری از تسلط خوارزمشاهیان استقامت می‌ورزیده و در خسروگرد به سال ۵۶۱ جنگ کرده و در نتیجه این زد و خورد شهر و قلعه خسروگرد را خراب کرده اند...مسجد جامع آنجا هم در این زد و خورد بکلی خراب شده و فقط یک مناره از عمارات مسجد بجا مانده است»^۹ که البته این سخن آقای مولوی در باب ویرانی مسجد قابل استناد نیست؛ چرا که بر اساس یافته‌های باستانشناسی که در سال ۱۳۷۵ در این منطقه انجام شده نشانی از مسجد یافت نشده است و گمان نزدیک به یقین بر تک بودن مناره خسروگرد است^{۱۰} دیگر سندی که می‌توان بر آن استوار بود روایتی است که ابن فندق نقل کرده و در آن از خرابی باروی شهر و قلعه سخن می‌گوید و اشاره‌ای به ویرانی مسجد نمی‌کند؛ در صورتی که در جای دیگری در باره خرابی مسجد قصبه سبزوار به تفصیل سخن رانده و همچنین از آبادانی مسجد خسروگرد نیز سخن گفته و چنین به نظر می‌رسد اگر این اتفاق رخ داده بود بی شک ابن‌فندق به آن اشاره ای می‌نمود.

منار خسروگرد

در دوره سلجوقی در بازه زمانی قرن پنجم تا اوایل قرن ششم و با مسلوک شدن راه ری، قومس، نیشابور شاهد ساخت مناره‌هایی در این مسیر هستیم. تا پیش از این گویا این راه هنوز معمور نبوده و کاروانیان از طریق بشت و ترشیز از دروازه طبرس به خراسان مراجعت داشته‌اند. «و محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام که لقب او تقی بود از راه طبرس میبنا دریا عبرت کرد که آن وقت راه قومس مسلوک نبود، و آن راه در عهدی نزدیک مسلوک گردانیدند- به ناحیت بیهق آمد و در دیه شیشتمد نزول کرد و از آنجا به زیارت پدر خویش علی ابن موسی الرضا رفت فی سنه اثنتین و ثلاثین و ماتین»^{۱۱}.



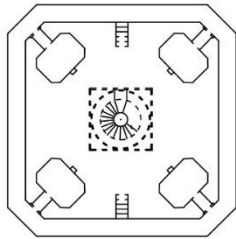
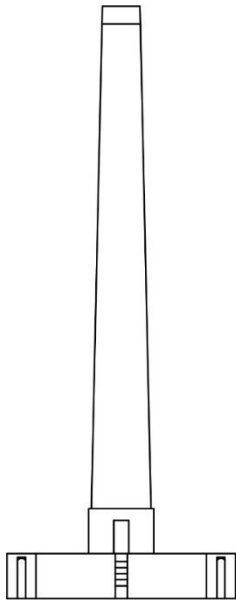
تصویر شماره ۱- مناره خسرو گرد، ماخذ: نگارندگان

با توجه به بیان ابن فندق در این امر که این جاده را اخیراً قابل رفت و آمد کرده اند و با توجه به زمان حیات وی که در قرن ششم بوده است این امر هویدا می شود که جاده مسلوک شده و مناره‌هایی در مسیر حرکت کاروانها به دستور افراد مختلف ساخته شده است؛ که از این دست می توان به مناره‌های سمنان، دامغان و خسروگرد اشاره داشت که همگی در مسیر ری به نیشابور قرار دارند. همین امر نیز می تواند یکی از دلایل شباهت این مناره‌ها به یکدیگر باشد. در کتاب تاریخ بیهق ذکری رفته بر مرمت مسجد خسروگرد. « پادشاه بلغار و آن نواحی که جمله را بلغر خوانند الامیر ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن بطوار بود فی سنه خمس عشره و اربعمائه،

او در ولایت خویش خوابی دید که ترا مالی بنواحی نیشابور بیهق باید فرستاد تا بر مسجد آدینه سبزوار و خسروگرد نفقه کنند و در عمارت آن دو مسجد صرف کنند او مالی وافر فرستاد و پادشاه خراسان را هدیه‌های عجیبه فرستاد که هرگز کس مثل آن ندیده بود از عجایب الدنیا و آن مال در عمارت این دو مسجد بدین تاریخ صرف کردند»^۲. برخی از محققان با استناد به این روایت، معتقدند تاریخ درج شده بر روی مناره تاریخ مرمت آن است. صنیع الدوله در سفرنامه خود که با نام مطلع الشمس شناخته می شود می نویسد: « از آثار خسروگرد که شهر بیهق بوده چیزی که فعلاً باقی و محل ملاحظه است مناری می باشد که از حیثیت بنا و تانق کمال امتیاز را دارد و ارتفاع منار ۲۹ ذرع و سکوی پای منار عرضاً و طولاً و ارتفاعاً پنج متر است قطر منار از هر طرف مساوی با دم سکوی می باشد دور منار در دو محل کتیبه خط کوفی دارد این منار تعلق به مسجد معتبر خسروگرد داشته و چون از جلالیل آثار قدماست در سال هزار و سیصد که موکب مسعود اعلیحضرت شاهنشاه کارآگاه خسرو صاحب قران ناصر الدین شاه

قاجار عزت‌نصره از مشهد مقدس معاودت میفرمودند در عبور از این ناحیه حکم همایون بمرمت منار صادر شد تا از اندارس و انطماس مصون ماند^{۱۳} همچنین نویسنده کتاب بناهای تاریخی خراسان چنین می‌اندیشد. «بنده احتمال میدهم که تاریخ ۵۰۵ قمری تاریخ تعمیر مناره خسروگرد است زیرا... در سال ۴۱۵ قمری از پولی که پادشاه شهر بلغار واقع در روسیه مرکزی برای عمارت یعنی تعمیر و مرمت مسجد آدینه سبزوار و مسجد آدینه خسروگرد فرستاده (در زمان سلطنت سلطان محمود غزنوی) مسجد خسروگرد از آن پول مرمت شده و یقیناً مناره مسجد در همان موقع وجود داشته و اطلاعاً معروض می‌شود که از آثار غزنوی در شهر غزنین... دومناره در خارج شهر غزنین بین شهر و روضه سلطان محمود غزنوی در وسط بیابان باقی می‌باشد که بسیار شباهت تام به مناره خسروگرد دارد و اطلاع داریم که شهر غزنین سوخته و تنها دو مناره از آثار قدیمه شهر تاکنون باقی مانده است بنابراین چنین به نظر می‌رسد که سال ساخت بنای مناره خسروگرد بسیار جلوتر از سال ۵۰۵ مذکر در کتیبه مناره باشد.»^{۱۴} این امر چندان درست به نظر نمی‌رسد زیرا نوع کتیبه‌های اجرا شده در این مناره آجری بوده و جزئی از بدنه مناره می‌باشد و توامان با ساخت مناره ایجاد شده‌اند. و کتیبه‌ها جزئی از بدنه مناره می‌باشند. اگر بپذیریم قسمتی از مناره ریزش داشته و بازسازی شده است؛ باز هم این نظر بعید است درست باشد؛ چرا که تاریخ ساخت بنا در کتیبه پایینی مناره قرار دارد. در این صورت باید نیمی از مناره فرو ریخته باشد؛ که دور از ذهن است؛ و حتی اگر بپذیریم که نیمی از مناره فرو ریخته و مجدد بنا شده است معقول به نظر نمی‌رسد که تاریخ ساخت بنا را در انتهای آیه قرآنی بیاوند و چرا سازندگان تاریخ ساخت را در کتیبه دستور ساخت مناره نیاورده‌اند؟ و از طرفی نام ابوالقاسم علی ابن سعید بر روی مناره درج شده که ابن فندق از او به عنوان نایب وزیر سلطان سنجر نام میبرد.^{۱۵} با این مشاهدات بنظر میرسد تاریخ درج شده بر روی مناره زمان ساخت اثر باشد. این مقاله فرض را بر سال ۵۰۵ هجری قمری برای ساخت مناره قرار داده است.

شاید بتوان مناره خسروگرد را در زمره زیباترین مناره‌های خراسان و ایران بشمار آورد. مناره ای به بلندای بیست و هشت متر از سطح زمین، که از دور دستها در بیابان‌های خراسان قرن‌هاست چشم در چشم مسافران خاک می‌اندازد و چشمان هر رهگذر تیز بینی را به خود خیره می‌کند. این مناره با پلانی



تصویر شماره ۲- پلان مناره خسرو گرد، ماخذ: نگارندگان

هشت ضلعی در سکو و مربع در پایه و دایره در ساقه و با حدود نود پله که از درون حول محور مرکزی مناره در چرخشند؛ در سال پانصد و پنچ هجری از آجر و ملات آهک و گچ و چوب به دستور تاج الدوله ابولقاسم علی بن سعید که نایب وزیر بوده است در زمان حکومت سلطان سنجر بر خراسان بر سر راه مواصلاتی ری به نیشابور ساخته شده است.

بنا از حیث ظرافت و زیبایی آینه ای تمام نما از تمایل هنر دوره سلجوقی به آجر کاری است و تمامی سطح بیرونی مناره با آجر به طریق راسته و خفته و ایجاد بند و سایه و برجستگی و با استفاده از آجرهای قالبی و

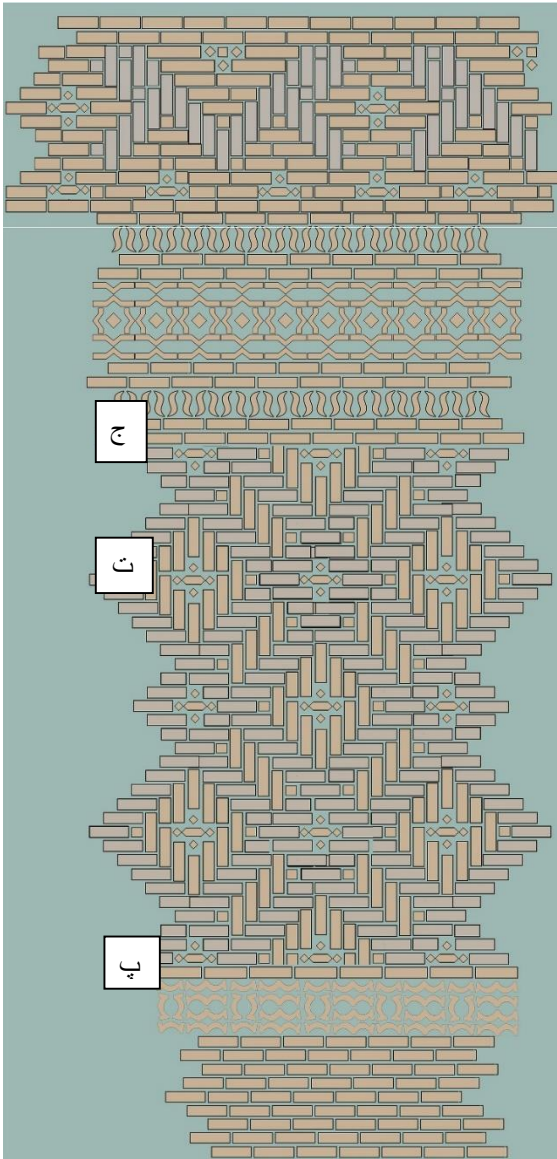
تراش با اشکال هندسی در فرم‌های اغلب لوزی شکل تزئین شده است.

اگر بنا را به قسمت‌های سازنده آن تقسیم کنیم ابتدا سکو را باید نام برد؛ که متشکل از فرمی هشت ضلعی با ارتفاع دویست و سی سانتی متر است. چهار ضلع آن بزرگ **ب** و به اندازه دوازده متر و چهار ضلع آن کوچکند و حدود دو متر عرض دارند؛ که در آنها **ج** یک متر تعبیه شده که به سمت درون اتاق ماندی را رهنمون می‌شوند (تصویر شماره ب/۱

الف

ب

ج



تصویر شماره ۳- طرح بازسازی شده آجرکاری مناره خسرو گرد،
 ماخذ: نگارندگان

(و این اتاق ماندها در هر چهارطرف میل تعبیه شده اند که حدود چهار متر مربع مساحت دارند و ارتفاع آنها حدود دو متر است. نوع کاربری آنها و دلیل وجودی آنها هنوز برای ما روشن نشده است. ولی می-توانند اتاقهایی برای استفاده چله نشینی باشند. این دربها هر کدام به سمت جهت‌های جغرافیایی ثانویه اشاره دارد و اضلاع بزرگتر سکو در برابر جهت‌های اصلی جغرافیایی واقع هستند. شاید بتوان گفت سکو به نحوی نمایشگر جهت‌های جغرافیایی به مسافران و کاروانیان است. طراحان و سازندگان بنا، کاربری جهت یابی جغرافیایی را بر این مناره بطور آشکاری افزوده‌اند که این موضوع می-تواند کاربری راهیابی مناره را تکمیل کند و گمان بر میل راهنما بودن آن را استوارتر می-سازد. شایان ذکر است این بدان معنی می-تواند باشد که میل، مناره خسروگرد سوای از همه کارکردها و اهدافی که در ساخت آن مد نظر طراحان بوده به عنوان یک جهت یاب جغرافیایی در خدمت آحاد جامعه و

مسافران و تجار بوده و برای همه‌ی انسان، راه را از بیراه نمایان می‌کند.

بدنه سکو در دو جهت شمال و جنوب با استفاده از آجرهای بیست و پنج سانتی متری و با قطر پنج

سانتی متر به شکل اعداد هفت و هشت در نوشتار فارسی تزئین شده است. در جهت‌های

شرق و غرب سکو، تزئینات با آجرهای خفته و راسته تزئین شده است و نوع چیدمان

الف

آجرها شبیه به آجرچینی داخل مقبره ارسلان جاذب در سنگ بست -مربوط به دوره غزنوی- اجرا شده است. در جهت‌های شرقی و غربی سکو دو پلکان با عرض حدود نود سانتی متر برای صعود به بالای سکو، با شش پله به ارتفاع سی و پنج سانتی متر-پله اول ارتفاع بیشتری دارد-و کف سی و پنج سانتی متری تعبیه شده است



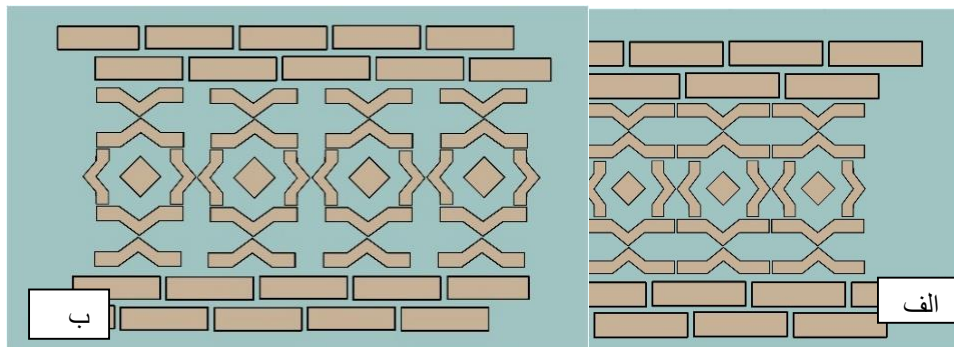
تصویر شماره ۴- آجر تراش بکاررفته در مناره خسرو گرد، ماخذ:

عبداللهی ۱۳۸۳

در قسمت بعدی بنا، بروی سکو، پایه میل به شکل مربع واقع شده است که ارتفاعی در حدود دویست و هشتاد سانتی متر دارد. هرچه به سمت بالا میرود از ابعاد آن کاسته می‌شود. عرض این پایه در بن حدود پنج متر است؛ و در بالاترین قسمت حدود چهار مترو نیم. پایه از حیث نما با آجر چینی

ساده کار شده است. این قسمت بنا تنها بخش مناره است که خالی از تزئینات است. پایه مناره در بر ورودی بنا را با عرضی حدود صد سانتی متر در سمت غرب خود جای داده است. بر بالای پایه که با پلانی مربع شکل ساخته شده است ساقه میل با پلان دایره خود پی ریزی می‌شود و از آن سر بر می‌آورد. ساقه ای ظریف و بلند که هر چه بر بلندای آن اضافه می‌گردد از قطر دهانه کاسته شده و ظرافت بیشتری را به رخ میکشد. بیشترین قطر مناره مربوط به ریشه آن و در حدود چهار صد و پنجاه سانتی متر و کمترین آن در بالاترین نقطه میل حدود دویست و پنجاه سانتی متر است. ساقه میل را می‌توان از لحاظ تزئینات بکار رفته در آن به چندین قسمت تقسیم کرد. قسمت اول را آجر چین ساده از آن خود کرده است که نه رج بر روی پایه بالا می‌رود. اولین نقشها به صورت آجر تراش کار شده است. (تصاویر شماره ۳ الف و ب) برای ساخت این نوع از تراش، آجرها را از طول به سمت عرض بصورت قاشقی تراش داده اند به نحوی که تراش تا حدود نیمی از سطح آجر را از آن خود می‌کند. از این مدل آجر تراشها در

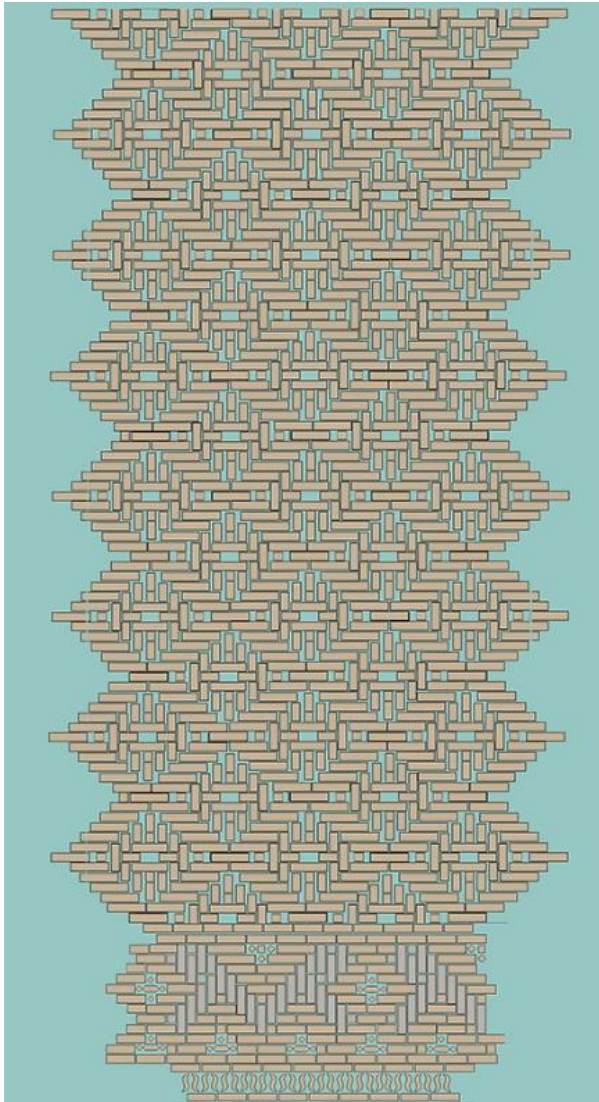
مناره ایاز مربوط به دوره غزنوی، مناره فیروزآباد واقع در بردسکن احتمالا مربوط به دوره سلجوقی، رباط شرف و رباط چاهه استفاده شده است. در ادامه نوار باریکی بر روی آجرهای ساده کار شده که چهار رج را در بر می‌گیرد و بعد از یک رج آجر چینی ساده در بالای آن، سطحی نسبتا وسیعی از مناره را با آجر چین به روش راسته و خفته در قالب طرحهای لوزی مانند، در سی و هفت رج اجرا کرده‌اند. در این



تصویر شماره ۵) طرح بازسازی شده شمشه های بکار رفته در مناره خسروگرد، ماخذ: نگارندگان

قسمت مجریان با استفاده از برجسته نمایی برخی اشکال، نمود آن را چندین برابر کرده‌اند. این نوع از آجرچینی رامی‌توان در مناره‌های تاریخانه دامغان،

مناره مسجد جامع دامغان و همچنین مناره مسجد جامع سمنان مشاهده نمود (تصویر شماره ۳، پ) بر روی این قسمت نوار آجر تراش باریکی به شکل کلاه آ بصورت ایستاده کنار هم و به عرض حدود دو رج اجرا شده است (تصویر شماره ۳، ت) که زیر و روی آن را، دو رج آجر ساده از آن خود کرده است؛ که جدا کننده این خط از آجر تراش‌ها از طرح بعدی است.



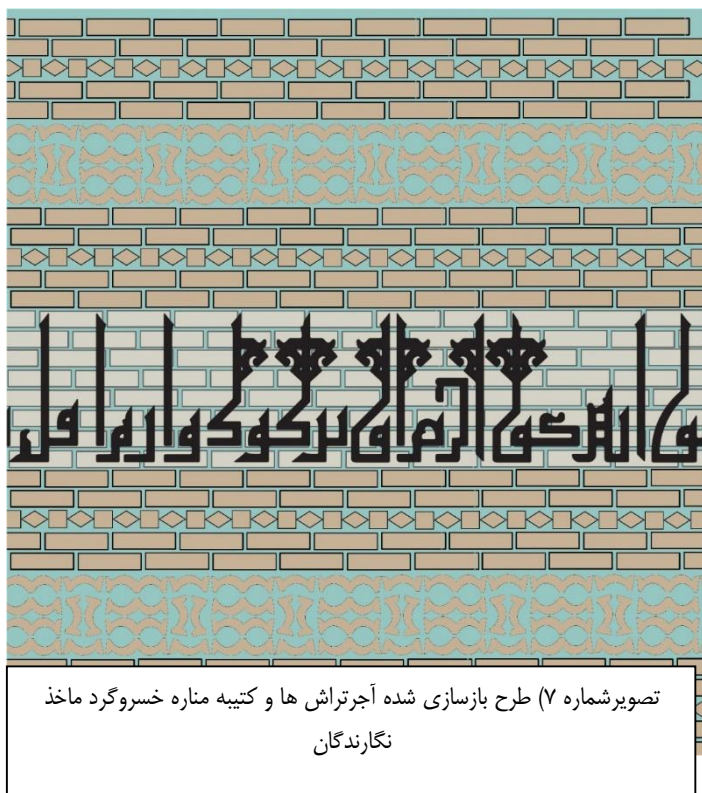
تصویر شماره ۶) قسمتی از طرح بازسازی شده آجرکاری مناره خسروگرد.
ماخذ: نگارندگان

در ادامه با آجر قالبی و تراش به اجرای طرح ظریفی پرداخته که متشکل از شمشه‌های هشت پر چسبیده به هم هستند که حدود چهار رج را در برمی‌گیرد. نوار شمشه‌های این مناره به نظر دقیق اجرا نشده اند و چلیپای موجود در فضای منفی بین شمشه‌ها شکل نگرفته است؛ (تصویر شماره ۵ الف) که البته می‌تواند تعمدی باشد و شاید هم از روی ناآگاهی سازندگان باشد. نمونه این شمشه و چلیپا در سردر کاروانسرای ملک استفاده شده است که در آن فرم شمشه‌ها و چلیپاها به شکل دقیقی کار شده است (تصاویر شماره: ۳ ج، ۴ و ۵) در ادامه کار، بروی نوار شمشه‌های منار خسروگرد دو رج آجر چینی ساده اجرا شده است که آن را از آجر تراش بالای خود جدا کرده است و بعد دو رج آجر چینی ساده کار شده است. می‌توان گفت دو رج آجر تراش آ شکل در پایین و بالای

طرح شمشه جزئی از کل این طرح هستند و این شانزده رج در مناره همگی یک نقش را ساخته‌اند. بعد از این قسمت در بنا ابتدا نقشی را شروع کرده‌اند که بعد از کارگذاری یازده رج از این نقش تصمیم سازندگان تغییر کرده (و یا دچار اشتباهی در ترتیب اجرای نقوش شده اند) و بر بالای آن دو رج آجر ساده را کار گذاشته‌اند و گره دیگری را بر بدنه مناره نقش کرده‌اند (تصویر شماره ۶) که تکرار نقش

لوزی در بستری از آجرهای خفته و راسته را به نمایش می‌گذارند که با نود و دو رج آجر چینی بیشترین سطح میل را به خود اختصاص داده است. در این قسمت از بنا فاصله آجرها بیشتر شده و بندها با عمق بیشتری کار شده اند. شاید بتوان گفت این امر می‌تواند برای ایجاد کنتراست نور و سایه در زمان تابش آفتاب باشد تا رهگذران در نور شدید بیابان بتوانند از دور دستها مناره را تشخیص دهند. در ادامه اشتباهات سازندگان مناره در نحوه محاسبات خود باید اذعان کرد که این قسمت مناره نیز دچار مشکل است و ابتدا و انتهای گره که حول محور مرکزی دایره مناره در گردش است به هم نرسیده اند و به ناچار یکی از واگیرها متفاوت از دیگر نقوش تکرار شونده در این قسمت است. از این نوع نقش در مناره‌های جامع دامغان، جامع سمنان، تاریخانه دامغان و مناره مسجد برسیان نیز استفاده شده است. بعد از این بخش، طرح برای شروع کتیبه آماده می‌شود و بدین منظور چندین نوار آجر تراش و ساده کار شده اند که بدین شرح اند: ابتدا دو ردیف آجر ساده کار شده که یک رج آجر تراش خورده را در بالای خود دارد

و دو ردیف آجر ساده مجدداً بر روی آن اجرا شده است در این قسمت طرح آجر تراشی که در قسمت ابتدایی ساقه مناره اجرا شده بود مجدد اجرا شده است لیک به صورت معکوس آن، که چهار رج را در بر میگیرد. بر بالای آن، چند نوار از نظر گذشته (دورج ساده، یک رج تراش، دورج ساده) مجدد اجرا شده اند و بعد از آن اولین کتیبه مناره با خط کوفی با



تصویر شماره ۷) طرح بازسازی شده آجر تراش ها و کتیبه مناره خسروگرد ماخذ نگارندگان

آجرهای قالبی و تراش به چشم می‌خورد که در برگیرنده آیه شماره ۱۱ از سوره جمعه است. (تصاویر ۷ و ۸)

متن آیه به نوعی می‌تواند بیانگر نوع کاربرد اصلی مناره باشد که همان میل راهیابی برای کاروانهای تجاری است و از دیگر منظر تلاش دارد تلنگری دین محور به راهیان جاده‌های زر بزند.



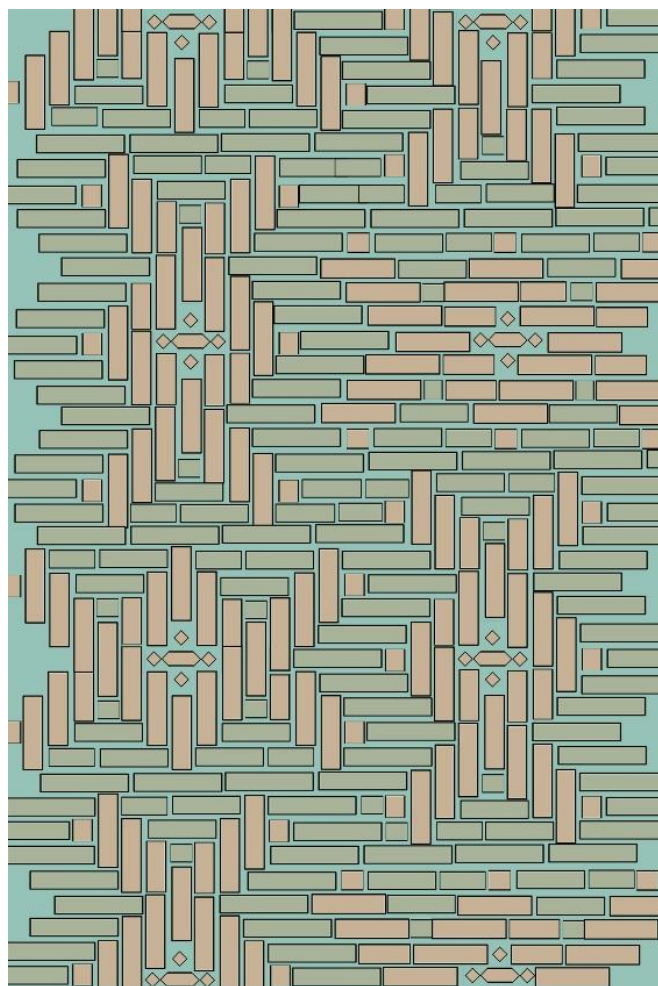
تصویر شماره ۸) کتیبه نخستین مناره خسروگرد، ماخذ نگارندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ لَوْلَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْنَا لَكُنَّا مِنَ الْخَاسِرِينَ

تصویر شماره ۹) متن بازسازی شده کتیبه نخستین مناره خسروگرد، ماخذ نگارندگان

وإذا رأوا تجارة أو لهوا انفضوا إليها وتركوك قائما قل ما عند الله خير من اللهو ومن التجارة والله خير الرازقين في شهر سنة خمس وخمسائ و چون داد و ستد یا سرگرمی ببینند به سوی آن روی آور می شوند و تو را در حالی که ایستاده ای ترک می کنند بگو آنچه نزد خدا ست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگان است. در ماه‌های سال ۵۰۵. در تفا سیر می‌خوانیم: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله مشغول خواندن خطبه‌های نماز جمعه بودند که کاروان تجاری همراه با طبل و دُهل و سر و صدا وارد مدینه شد. بیشتر نمازگزاران به سراغ کاروان رفتند و حضرت را که در حال ایستاده مشغول ایراد خطبه بود، تنها گذاشتند. این آیه نازل شد و آنان را توبیخ کرد. آیه به جای انتقاد از ترک خطبه و نماز، از تنها گذاردن پیامبر، انتقاد می‌کند. آغاز این سوره با بعثت پیامبر اسلام بود و پایان آن، با انتقاد از تنها گذاشتن آن حضرت و این خود هشدار به مؤمنان است. رمز گشایی و پرداختن به زوایای پنهان چرایی انتخاب این آیه برای این مناره خود مقاله ای مجزا می‌طلبید؛ لیک می‌توان چنین بیان کرد که این مناره اصلی ترین کاربری خود را به نمایش می‌گذارد که همان هدایت انسان است. هدایت انسان به عنوان یک رهگذر در کوره راهها به سوی آبادی و همچنین هدایت یک انسان به عنوان یک رهگذر در گذر تاریخ و هدایت او به سوی درگاه خداوند که این مهم، اصلی ترین کارکرد دین را به نمایش می‌گذارد. درباره این کتیبه بنا باید عنوان کنیم که برای اولین بار متن این کتیبه در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد. نویسندگان این مقاله با استفاده از دست نوشته‌های هرستفلد و تطبیق آن با کتیبه‌های مناره و قرائت متن کتیبه‌ها به این مهم دست یافته اند. در مقالات کتابها و یاداشتهای پیش از این مقاله، متن این کتیبه را اینگونه بیان کرده اند « أمر بنا هذه المنارة الصاحب

العجم مقبل الملك تاج الدولة أبو القاسم بن السعيد ولي أمير المؤمنين في سنة خمس وخمسمائة» که معتبر ترین و جدید ترین این مقالات را علی فرخی و امیر اکبری در سال ۹۲ در نشریه پژوهشنامه تاریخ تحت عنوان بررسی میل مناره‌های خراسان (باتکیه بر نقش سازه ای و محتوای کتیبه‌های آن ها) به چاپ رسانده اند. در اینجا بیان این نکته لازم به نظر می‌رسد که این اشتباه تاریخی به دلیل نقلی اشتباه بوده که در نوشته‌های گوناگون تکرار شده است که البته تنها قسمت درست این جمله که در کتیبه اول بنا آورده شده همان سال ۵۰۵ است. و مابقی جمله ای که ذکر آمد - که تنها قسمتی از آن درست است-مربوط به کتیبه بالایی مناره است که در ادامه خواهد آمد.



در ادامه حرکت مناره به سمت بالا همان نقوش و آجر چینی‌های چهارده رج زیرین کتیبه به همان ترتیب مجددا اجرا شده است به گونه ای که چونان نواری از تزئین زیر و روی کتیبه را از بدنه مناره جدا می‌کند. در ادامه صعود به سمت بالا گره اصلی دیگری اجرا شده است که در آن آجر چینی خفته و راسته با القای حرف "لا" با استفاده از چهل و چهار رج آجر در تزئینات هویداست. در تزئینات این قسمت از بنا دو فضای مثبت و منفی طرح را اگر جدا کنیم، طرحی که فضای مثبت نقش را از آن خود کرده کلمه "لا" است. کلمه ای که بیانی از نفی

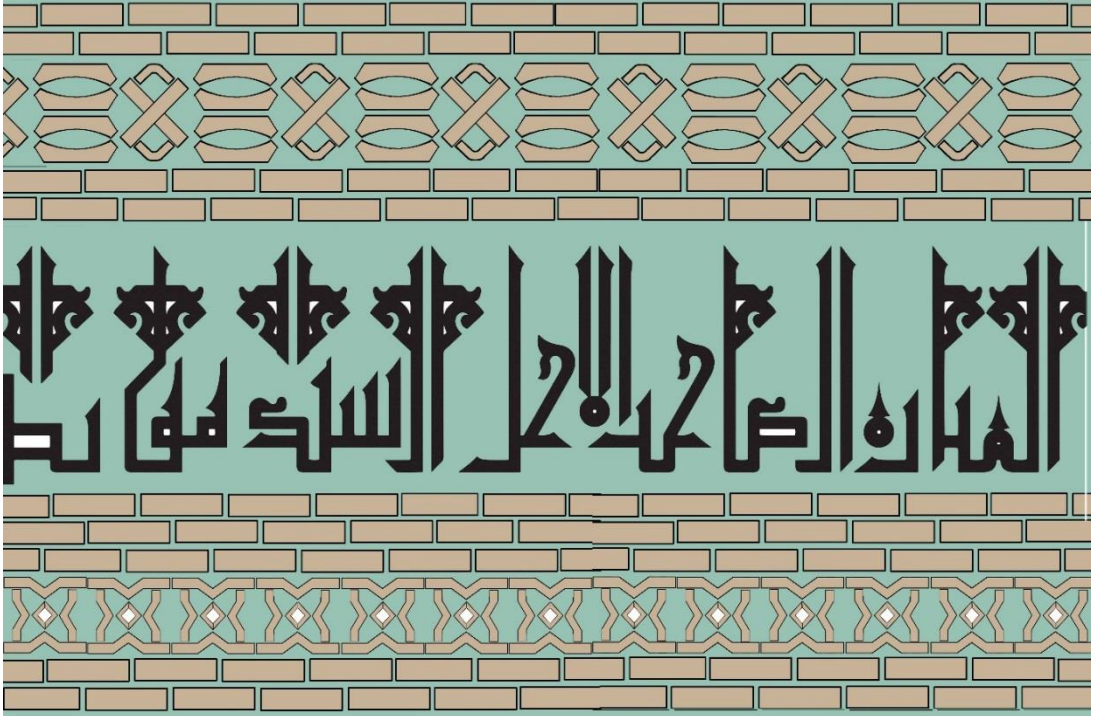
خویشتن در مقابل مقام الله را افاده می‌کند و در قسمت منفی نقش طرح واگیره ای از سواستیکار یا همان گردونه خورشید را می‌توان بازشناخت. (تصویر شماره ۱۰)

از این نقش کهن در دیگر بناهای اسلامی نیز استفاده شده است -مناره کرات یکی از این بناهاست- که البته میتواند در این بنا به صورت اتفاقی و با توجه به چینش حرف "لا" شکل گرفته باشد. لازم به ذکر است نقش استفاده شده در این قسمت از مناره همان نقشی است که در قسمتهای ابتدایی بنا ده رج از آن را اجرا کرده و متوقف نموده اند که با قیاس این دو طرح می‌توان به خرابی موجود در آن گره پی برد (تصویر شماره ۶) پس از این نقش چهار رج آجر ساده کار شده است و بر روی آن نقش دیگری از ترکیب آجرهای تراش تشکیل دهنده شمسه هشت پر که در نواری در قسمت ابتدایی مناره استفاده شده بود کار شده است. در این قسمت آجرهای تراش را معکوس نوارزیرین اجرا کرده اند و بازهم در اجرای آن دقت کافی بکار نرفته و در صورت اجرای دقیق طرحی از چلیپا و سرمه دان (بازوبندی) را می‌توانست به نمایش بگذارد که البته این مهم تا حدودی هویداست. (تصویر شماره ۱۲، الف) پس از این نوار چهار رج آجر چینی ساده اجرا شده و بعد از آن کتیبه دوم بنا که شامل حدود دوازده رج آجر است با همان رسم الخط کتیبه اول و همان تکنیک اجرا شده که متن آن به بانی اشاره دارد. کتیبه با کلمه امر ببناء آغاز می‌شود. «ساختار امر ببناء اسلوب رسمی تنظیم کتیبه‌های احداثیه یا پایه گذاری همه انواع بنا شد. ساختار کامل این کتیبه‌ها چنین است: سرآغاز (مانند بسم الله)، فعل، اسمی که معرف بناست، نام بانی یا حامی، تاریخ.»^{۱۶}



تصویر شماره ۱۱) متن بازسازی شده کتیبه دوم مناره خسروگرد، ماخذ نگارندگان

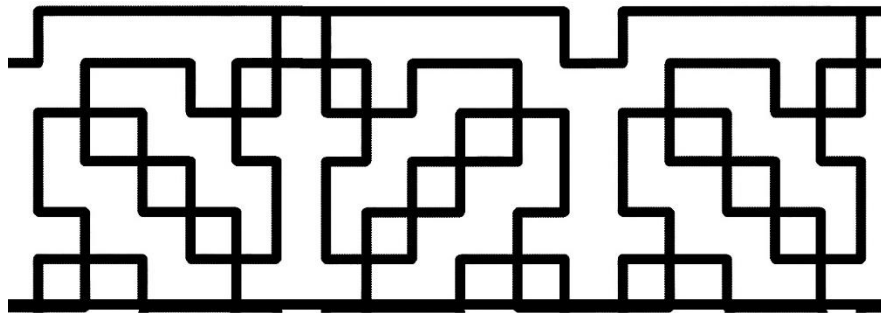
أمر ببناء هذه المنارة الصاحب الأجل السيد مؤيد الدين معين الملك تاج الدولة أبو القاسم علي بن سعيد
مولى أمير المؤمنين



تصویر شماره ۱۲) طرح بازسازی شده آجرکاری کتیبه دوم مناره خسروگرد، ماخذ

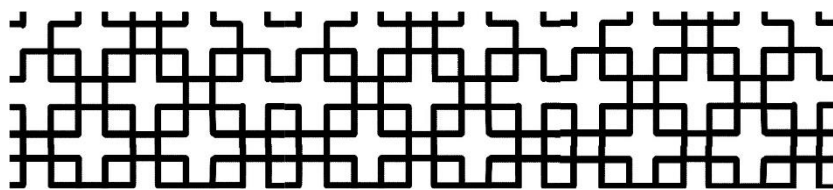
قسمتهایی از این کتیبه را ارنست دیتز قرائت کرده که در کتاب بناهای تاریخی خراسان^۷ آورده است و همچنین هرستفلد نیز در گرته برداری‌های خود آن را ترسیم نموده که نویسندگان این مقاله با تطبیق این دو مورد و وهمسنگی آن با کتیبه بنا متن را بازسازی کرده‌اند. (تصویر شماره ۰۱۱) با تطبیق این متن و متن استخراج شده محققین پیشین می‌توان به نادقیق بودن آن پی برد. با توجه به اینکه در کتیبه اول آیه ای از قرآن کریم آورده شده و همچنین سال ساخت بنا نیز ذکر شده است؛ می‌توان بر این پنداشت بود که در ابتدای امر قرار بر آوردن نام بانی بر روی مناره نبوده است و در ادامه ساخت، بانی تصمیم به ذکر نام خود گرفته است؛ همچنین شاید بتوان این اقدام را در راستای طولانی بودن آیه‌ی بکار رفته در مناره نیز لحاظ کرد چرا که با حرکت مناره به سمت بالا از قطر آن کاسته شده و فضای کافی در اختیار سازندگان قرار نمی‌گرفته است. بعد از کتیبه فوق دو رج آجر ساده و بعد از آن یک نوار

تزئین کوچک دیگری به اندازه چهار رج به ساخت حاشیه ای برای کتیبه کمک می‌کند. از این نقش در مناره کرات واقع در تایباد نیز استفاده شده است. (تصویر شماره ۱۲ ج) دورج آجرکاری ساده بر روی این نقش فضا را برای شکل‌گیری و هنرنمایی آجرهای راسته و خفته آماده می‌کند؛ که بیانی دیگر از همان نقش لوزی مانند پایین مناره را دارد که در چهل و سه رج به اجرا درآمده است، با این تفاوت که آجرهای برجسته و فرورفته جای خود را با همدیگر عوض کرده اند. استفاده از این تکنیک (جابجایی فضای مثبت و منفی طرح) بر روی مناره خسروگرد باعث شده که نمای آن در عین تکرار نقوش متنوع به نظر برسد و از طرفی نقوش با یکدیگر یک ارتباط منسجم برقرار کنند (تصویر شماره ۳، ج). بر روی این قسمت که با چهار رج آجر چینی ساده به اتمام رسیده است، یک گره آجر چینی دیده می‌شود که بسیار آسیب دیده و حدود بیست و شش رج از مناره را به خود اختصاص داده است که نگارندگان با توسل به گرده برداری‌های هرستفلد و مشاهدات میدانی آن را بازسازی کرده اند (تصویر شماره ۱۳) نمونه‌های مشابهی از این گره در مناره‌های تاریخانه دامغان و منار مسجد جامع دامغان استفاده شده است - بانددک تفاوت‌هایی - و نکته حائز اهمیت آنکه در هر سه مناره این گره در قسمتهای فوقانی مناره‌ها بکار رفته است. بعد از این گره سیزده رج آجر ساده کار شده است. با توجه به ساختار بنا چنین به نظر می‌رسد این قسمت بنا به منزله تاج مناره ساخته شده است؛ چرا که بعد از قسمت آجرکاری ساده حدود چند رج از آجرها به سمت بیرون تمایل پیدا می‌کنند و قطر مناره در این قسمت حدود ده سانتی متر نسبت به رج‌های پایین‌تر بیشتر می‌شود و پس از آن با قطر جدید به سمت بالا حرکت کرده و آخرین گره را در خود جای می‌دهد. متأسفانه این گره با توجه به برآمدگی آجرها از سطح دیوار اغلب دچار آسیب شده اند و گره بسیار سخت قابل تشخیص است. این گره حدود بیست رج را در هم تندیده است که نگارندگان این گره را نیز به روش گره پیشین بازسازی کرده اند. (تصویر شماره ۱۴) از این گره نیز در



تصویر شماره ۱۴) قسمتی از طرح بازسازی شده گره ، مناره خسروگرد، ماخذ نگارندگان

مناره تاریخانه دامغان و مناره مسجد جامع دامغان استفاده شده است. پس از این گره مناره با چند رج آجر ساده و یک رج آجر طره چینی شده باتمام رسیده است. این قسمت درمرمت‌هایی که در سال ۱۳۷۵ صورت گرفته ساخته شده و پشت بام عایق شده است.

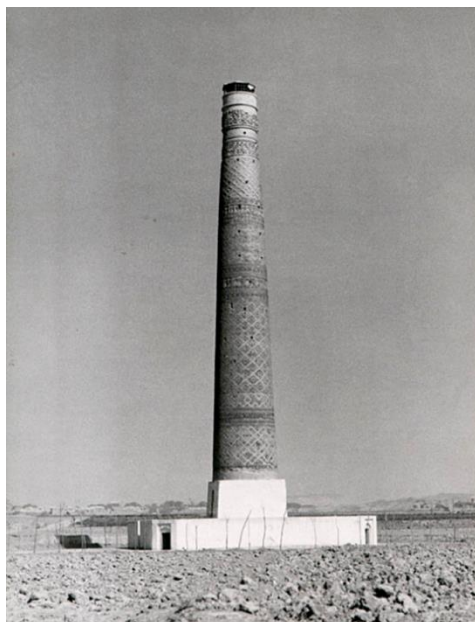


تصویر شماره ۱۳) قسمتی از طرح بازسازی شده گره ، مناره خسروگرد، ماخذ نگارندگان

در عهد ناصری و در زمان برگشت ناصرالدین شاه از سفر مشهد و پس از بازدید از این بنا دستور مرمت آن صادر شده و حدود بیست رج آجر چینی ساده در ادامه بنا کار شده است. (تصاویر ۱۵ و ۱۶) و بر بالای آن یک سقف سایه بان مانند تعبیه کرده اند که امروزه سقف و قسمت فوقانی مناره که در زمان ناصری ساخته شده بود از بین رفته است.



تصویر شماره ۱۵) ، مناره خسروگرد قبل از مرمت، ماخذ



تصویر شماره ۱۶) ، مناره خسروگرد بعد از مرمت، ماخذ

یافته‌ها و نتیجه گیری

با توجه به مباحث از نظر گذشته در مورد پیشینه مناره و انواع کارکردهای آن و با توجه به بررسی‌های به عمل آمده از سوی نگارندگان بر روی مناره خسروگرد می‌توان اینگونه بیان داشت که مناره خسروگرد یک مناره منفرد است که در درجه اول اهمیت کاربری خود نقش یک میل راهیابی را ایفا میکند؛ و هدف پررنگ مانده ساخت آن، کمک به راهیابی رهنوردان بوده است. این مهم را می‌توان بر اساس محل قرار گیری مناره که بر کناره راه اصلی ری به نیشابور بنا شده است؛ و همچنین جهت‌های مورد اشاره‌ی وجه‌های سکو، که به نحوی پی ریزی شده است، تا هشت وجهی کار شده در سکو در چهار ضلع بزرگتر به جهت‌های جغرافیایی اصلی و در اضلاع کوچکتر به جهت‌های فرعی اشاره کند. برای استحکام این نظر -وجه پر رنگ تر هدف ساخت- می‌توان استفاده از آیه کریمه ۱۱ سوره جمعه قرآن مجید، در کتیبه اول مناره را برشمرد؛ که مفرماید: و چون داد و ستد یا سرگرمی ببینند به سوی آن روی‌آور می‌شوند و تو را در حالی که ایستاده ای ترک می‌کنند بگو آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگان است. در این آیه بطور اخص به مقوله تجارت و بازرگانی اشاره مستقیم شده است و انسان سرگشته در جاده‌های زمینی را به سوی معنویات رهنمون می‌کند. با تکیه بر متن همین کتیبه می‌توان چنین بیان داشت که مناره خود به نمادی از اسلامی بودن منطقه تبدیل شده است. و به تجار، مسافران و ساکنین منطقه این نکته را مخابره می‌کند؛ که این ناحیه زیر پرچم اسلام قرار دارد. همچنین با ساخت مناره در این قسمت، حد و حدود شهر رانیز بازگو می‌کند و آن را نشانی از آبادانی در دل بیابان قرار می‌دهد. با استناد به کتیبه دوم بنا که شامل دستور ساخت و نام و کنیه بانی آن است؛ می‌توان به کاربرد ابراز قدرت از سوی بانی برای مردم محلی و نیز مسافران را اشاره کرد. ابراز قدرت بدان سبب می‌تواند باشد که بانی از ترکیب امر به بنا (دستور ساخت) فرمان دادن به بنای چیزی) استفاده کرده است. از طرف دیگر کنار نام بانی چندین لقب نیز گنجانده شده است که با توجه به متن تاریخ بیهق نوشته ابن فندق و آنچه درباب ویرانی خسروگرد از این کتاب در این مقاله ذکر آمده؛ می‌توان دید این القاب را به سرداران و اشخاص بزرگ کشوری و لشکری نسبت داده است. القابی همچون تاج الدوله، معین الدین، مؤند الدین، امیر مومنان و.... برای هر کدام لقبی را بکار برده و این در حالیست که در این مناره برای بانی سه لقب بکار رفته است. شاید بتوان گفت بانی با بیان چندین لقب سعی در نشان دادن جایگاه اجتماعی خود در جامعه هدف بوده و این خود بیانگر قدرت او است. از طرف دیگر ساخت این مناره نیز تبدیل به یک نماد قدرت برای وی و حکومت مرکزی

خواهد بود. با نگاهی دیگر می‌توان میل به جاودانگی نام را در اثر به وضوح مشاهده کرد. کما اینکه در هزار سال بعد از ساخت این مناره کماکان نام بانی شغل او و جایگاه اجتماعی وی آشکار است. حال آنکه ابولقاسم علی بن سعید نایب وزیر بوده است و با این بنا نام خود را در بخشی از تاریخ ماندگار کرده است. پس میل به جاودانگی را نمی‌توان از اندیشه دخیل در ساخت مناره یا حداقل کتیبه آن حذف کرد.

سازه

مناره خسروگرد در گردشی از هشت ظلعی به مربع و پس از آن به دایره می‌رسد که تمامی این چرخش‌ها را در زمینی ترین قسمت خود یعنی سکو و پایه به اتمام میرساند. با چرخش حول محور مرکز پرگار رو به سمت بالا در حال صعود است. گویی نمادهای زمینی و آسمانی را به هم پیوند میزند و از زمین به آسمان در حرکت است. این مهم رادر نمادهای هنر اسلامی می‌توان باز شناخت از آنجا که دایره نماد آسمان و مربع نمادی از زمین قرار می‌گیرد. در این اثر سکو نیز می‌تواند بار معنایی دیگری بگیرد که همان جمع اضداد است که در مقام هشت وجه اصلی و فرعی قرار می‌گیرد و همه جهت‌های انسانی را به سوی یک جهت آسمانی به سمت افلاک می‌کشاند. این نظر را می‌توان بر کتیبه اول مناره نیز استوار ساخت که هدایت انسان را به سوی خدا بازگو می‌کند. این مناره همچون بیشتر مناره‌های ایران استوانه ای/مخروطی محسوب می‌شود که با مصالح بوم آورد متشکل از آجر، ملات و چوب -به عنوان عنصر کش سان نگه دارنده- ساخته شده است. اصلی ترین عنصر در این سازه همان آجر است که بارزترین وجه در آثار معماری دوره سلجوقی در ایران محسوب می‌شود. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در تزئینات آجر کاری این مناره می‌توان گفت استادکاران یا معماران چندان برجسته ای برای انجام و ساخت این اثر استخدام نشده اند ولی با این حال این اثر از زیباترین آثار بازمانده در دل خراسان امروزی است. این سازه همچون بسیاری از مناره‌های استوانه ای دیگر دارای پله مرکزی برای صعود به بالای مناره است که با حدود نود پله حول محور مرکزی مناره به سمت بالا در چرخش است و نور مورد نیاز خود را از طریق روزنه‌های کوچک تعبیه شده در بدنه تامین می‌کند. محور مرکزی مناره حکم ستون مناره را داراست و با اتصال ستون مرکزی به بدنه مناره توسط حرکت مارپیچ پله‌ها استحکام بنا را چنان ساخته که پس از گذشت هزار سال از عمر آن همچنان از گزند در آمان مانده است. بر اساس تصویری که در دوره قاجار از این بنا ثبت شده (تصاویر ۱۵ و ۱۶) می‌توان سایه بانی بر بروی بام مناره مشاهده کرد که می‌تواند برای جلوگیری از خاموش شدن آتش در آن باشد که البته اکنون قسمت فوقانی - که در دوره قاجار مرمت شده بود - و آن سایه بان وجود ندارند.

تزئینات و رسم الخط

با بازسازی متن کتیبه‌ها و دست‌یابی به رسم الخط استفاده شده در آن و همچنین نوع تزئینات بکار رفته در فضای کتیبه‌ها می‌توان ریشه‌های این خط را در آثار غزنوی (مناره مسعود غزنوی) و کتیبه ایوان پشتی رباط شرف باز شناخت و بر این پندار بود که این خط در ادامه همان خط و یا حتی با استفاده از همان رسم الخط تحریر شده و تراشیده شده است. تزئینات و گره‌های بکار رفته در بنا را می‌توان در ادامه بناهای سلجوقی به شمار آورد. بناهایی همچون مناره تاریخانه و مناره دامغان و سمنان و... چرا که نقوش بکار رفته و نوع سازه در آنها مشترک است. شاید بتوان گفت که نزدیکی تاریخ ساخت این مناره‌ها به یکدیگر و مسیر مواصلاتی یکسان آنها در این شباهتها تاثیر گذاشته اند. همچنین می‌توان این نقوش را در آثار پیشین جستجو کرد و به این نتیجه رسید که گره‌های استفاده شده در این اثر ابداعی نیستند و همگی بر گرفته از نمونه‌های پیشین آن است. حتی در برخی قسمت‌ها مانند نوار شمس‌ها عدم تسلط مجریان بر نقوش باعث دفرمه شدن آنها شده است ولی با این حال کل مناره بعنوان یک اثر واحد دارای انسجام قابل قبولی در ساخت و تزئینات است. نزدیکی نوع تراشها، رسم الخط، تزئینات و ساختار ساختمان مناره‌های این عصر به یکدیگر می‌تواند بیانگر وجود یک الگوی کلی برای ساخت مناره در قلمرو سلجوقی بوده باشد.

پی نوشت ها

^۱ هیلن برند، روبرت (۱۳۸۹) **معماری اسلامی شکل، کارکرد و معنی**، باقر آبت الله زاده شیرازی، روزنه، تهران ص ۱۳۰.

^۲ M. Bloom, Jonathan (2002) *The Minaret, symbol of Faith & Power, Saudi Aramco World* p 31

^۳ زمانی، عباس، (۱۳۵۱) «منار و مناره تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران»، **هنر و مردم**، شماره ۱۲۱ ص ۶۷.

^۴ گذار، آندره و دیگران، (۱۳۷۱) **آثار ایران**، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، آستان قدس رضوی ص ۱۴۷.

^۵ ابن فندق، علی ابن زید البیهقی، (1361) **تاریخ بیهق**، گرداوری: بهمن انصاری تاریخ مرگ مولف ۵۶۵ ه. ق ص ۳۳-۳۴.

^۶ ابن فندق، علی ابن زید البیهقی، **همان**، ص ۴۱-۴۳.

^۷ طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۴۸) **جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان از دوره باستان تا آغاز عهد قاجار**، انتشارات شواری مرکزی جشن شاهنشاهی ایران ص ۱۵۹.

^۸ ابن فندق، علی ابن زید البیهقی، **همان**، ص ۲۸۴.

^۹ مولوی، عبد الحمید (۱۳۵۴) **آثار باستانی خراسان**، جلد اول شامل اثار و ابنیه تاریخی جام نیشابور و سبزوارد. سلسله انتشارات انجمن آثار ملی-۱۲۱ اداره کل فرهنگ و هنر خراسان مشهد. ص ۴۸۴.

^{۱۰} عبدالله زاده ثانی، محمد (۱۳۸۱) **باستان شناسی و تاریخ میل خسروگرد**، اداره کل میراث فرهنگی خراسان، اداره میراث فرهنگی سبزوارد، معاونت پژوهشی.

^{۱۱} ابن فندق، علی ابن زید البیهقی، **همان**، ص ۴۶.

^{۱۲} **همان**، ص 53

^{۱۳} اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (صنیع الدوله) (۱۳۶۲) **مطلع الشمس**، احمد قاسم، انتشارات پیشگام، تهران ص ۲۲۲.

^{۱۴} مولوی، عبد الحمید، **همان**، ص ۴۸۹.

^{۱۵} علی فرخی و امیر اکبری (۱۳۹۲) «بررسی میل، مناره های خراسان با تاکید بر نقش سازه ای و محتوای کتیبه های آنها»، **پژوهشنامه تایخ**، شماره ۳۲ ص ۱۲۵.

^{۱۶} بلر، شیلا (۱۳۹۴) **نخستین کتیبه ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین**، مهدی گلچین عارفی، فرهنگستان هنر، تهران.

¹ P48 Diez, ernst (1918) *Churašānische baudenkmaler*, D. reimer, berlin

¹ S. Blair, Sheila (1992) *The monumental inscrip toins from early Islamic iran and transoxiana*, new York p 245-274